

شناسایی احکام کیفری خارجی و اجرای آن در نظام حقوقی اسلام و قوانین موضوعه ایران

امین الهیان^۱، مجتبی الهیان^۲، محمد ابراهیم الهیان^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۹/۲۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۹/۲۵)

چکیده

در این تحقیق سعی شده است با روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود که با توجه به اصل صلاحیت سرزمینی قوانین کیفری و همچنین حفظ حاکمیت ملی آیا شناسایی و اجرای احکام کیفری خارجی در قلمرو حاکمیت یک کشور اسلامی علی الخصوص ایران امکان پذیر هست یا خیر؟ به نظر نگارندگان برای پاسخ به این پرسش ها از منظر حقوق اسلامی با عنایت به آیات قرآن و روایات می توان گفت که توجه به اصل عمل متقابل و جواز اجرای احکام سایر ادیان الهی در قلمرو حاکمیت حکومت اسلامی و قاعده درء می تواند توجیهی برای اجرای احکام کیفری خارجی باشد. در ایران نیز بررسی قوانین موضوعه و توافقنامه های معاضدت قضایی حکایت از آن دارد که شناسایی و اجرای احکام کیفری خارجی به طور محدود و تحت شرایطی در مواردی چون انتقال محکومین، تعیین خسارات ناشی از جرم پذیرفته شده است.

کلید واژه‌ها: اجرای احکام کیفری خارجی، حفظ حاکمیت ملی، صلاحیت سرزمینی، حقوق اسلامی

-
۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، (نویسنده مسئول):
Email: elahian_am@yahoo.com
 ۲. دانشیار گروه فقه و فلسفه پردیس فارابی دانشگاه تهران؛
Email: mojtaba.elahian@ut.ac.ir
 ۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه؛
Email: ebrahim.elahian@gmail.com

۱. درآمد

در گذشته که روابط بین‌المللی هنوز محدود و توسعه نیافته بود اساساً اجرای احکام دادگاه‌های خارجی و یا اعمال قوانین خارجی در قلمرو داخلی حکومت‌ها، بر مبنای اصل صلاحیت سرزمینی قوانین و دادگاه‌ها، امری غیرقابل قبول برای حاکمیت‌ها بود. در این بین اجرای احکام کیفری خارجی با توجه به اینکه رابطه مستقیم با اعمال حاکمیت دارد، نسبت به احکام دیگر از حساسیت بیشتری نیز برخوردار بود. اما به تدریج توسعه‌ی روابط بین دولت‌ها، نیاز روزافزون کشورها به معاضدت قضایی و تمایل جامعه بین‌المللی به سوی ایجاد یک نظام حقوقی واحد سبب شد که دولت‌ها در مسائلی که کم‌تر ارتباط با نظم عمومی دارند از موضع خود مبنی بر اینکه در محدوده جغرافیایی یک کشور فقط باید احکام صادره از دادگاه‌های همان کشور اجرا شود کمی عقب‌نشینی نماید و در موارد محدود و استثنایی اجرا و شناسایی احکام خارجی را بپذیرند.

لیکن در این نوشتار پرسش‌های اساسی این است که اولاً، چرا دولت‌ها اصولاً حاضر به اجرای احکام کیفری خارجی در قلمرو حاکمیت خود نیستند؟ ثانیاً، دیدگاه سیستم حقوق اسلامی در خصوص اجرای احکام کیفری خارجی چگونه است؟ ثالثاً، در چه مواردی محاکم ایران احکام کیفری صادره از کشورهای دیگر را شناسایی و اجرا می‌کنند؟ رابعاً محاکم ایران برای شناسایی و اجرای احکام کیفری بین‌المللی ملزم به رعایت چه شرایطی می‌باشند؟ پاسخ به این سوالات از لحاظ نظری از این جهت ضروری است که نشان می‌دهد نظام حقوق کیفری ایران تا چه حد در تعاملات بین‌الملل معاضدت قضایی منعطف و پویا می‌باشد و تا چه میزان با جامعه جهانی همگام شده است. از لحاظ عملی نیز تبیین موضوع سبب رفع سرگردانی محاکم داخلی ایران در مواجهه با احکام کیفری خارجی می‌شود. در نوشتار حاضر ابتدا مبانی نظری و دیدگاه سیستم حقوقی اسلام نسبت به موضوع تبیین می‌شود، سپس با بررسی قوانین موضوعه و توافق‌نامه‌های بین‌المللی معاضدت قضایی ایران مشخص می‌گردد که در چه مواردی احکام کیفری خارجی در محاکم ایران قابلیت شناسایی و اجرا دارند. نهایتاً شرایط شناسایی و اجرای احکام کیفری خارجی با توجه به قوانین موجود مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

در خصوص پیشینه تحقیق در نظام حقوق اسلامی باید گفت در مطالعات انجام شده تاکنون به طور خاص اجرا و شناسایی احکام کیفری خارجی در نظام حقوق اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است اما در گذشته مطالعاتی در خصوص جایگاه رفتار متقابل در

آیات قرآنی و روایات، شرایط تصدی منصب قضا و اجرای احکام سایر ادیان الهی در قلمرو حاکمیت حکومت اسلامی صورت گرفته است که در این تحقیق از مطالعات صورت گرفته در راستای تبیین وضعیت اجرای احکام کیفری در نظام حقوق اسلامی بهره گرفته شده است. در خصوص اجرای احکام کیفری در نظام حقوقی ایران نیز مطالعات انجام شده بیشتر حول محور اجرای احکام مدنی خارجی با عنایت به ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی بوده است و توجه خاص به اجرای احکام کیفری خارجی نشده است.

۲. تعاریف و مبانی نظری

برای درک بهتر موضوع می بایست قبل از هر چیز تمایز بین دو مفهوم «اجرای حکم» و «شناسایی حکم» تبیین شود. منظور از شناسایی حکم آن است که مراجع قضایی یک کشور مندرجات و مفاد احکام صادره در خارج از قلمرو حاکمیت خود را بدون آنکه اجرا نمایند، صرفاً مورد قبول و پذیرش قرار دهند. به عنوان مثال وقتی دادگاهی که در تعیین مجازات جرمی که قبلاً در یک دادگاه خارجی رسیدگی و منتهی به صدور حکم و اجرای بخشی از مجازات گردیده، میزان مجازات اجرا شده را هنگام صدور حکم لحاظ می کند، بدین معناست که در حدود «اصل منع مجازات مضاعف» مفاد حکم دادگاه خارجی مورد شناسایی قرار گرفته است. اما مراد از اجرای حکم آن است که مندرجات و مفاد حکم خارجی در قلمرو حاکمیت یک کشور اجرا شود. در واقع شناسایی مفاد و مندرجات یک حکم مقدمه اجرای آن است اما ملازمه‌ای با اجرای آن ندارد.^۱ شناسایی ممکن است به جهت استفاده از یک سند در یک دعوی به عنوان مستند دعوی جهت اثبات حقی نسبت به مال یا دفاع از یک دعوی یا طرح دعوی معتبر باشد. از طرفی اسنادی که جنبه اعلامی دارند از قبیل اسناد مثبت مالکیت یا وضعیت و اهلیت اشخاص (ازدواج، طلاق، نسب، رشد...) شناسایی آنها کفایت می کند و ضرورتاً جنبه اجرایی ندارند. بنابراین اعتبار سند یک مطلب است و لازم‌الاجرا بودن آن مطلب دیگر و ممکن است سند تنظیم شده در خارج از ایران معتبر تلقی شده، ولی لازم‌الاجرا نباشد. به علاوه اجرای مفاد اسناد تنظیم شده در خارج تشریفات بیشتری دارد و به مراتب

۱. نک: الماسی، نجادعلی (۱۳۶۹). «شناسایی و اجرای احکام مدنی خارجی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲۵ و مردانی، محمدحسن (۱۳۹۰). «شناسایی و اجرای احکام دادگاههای خارجی در حقوق ایران»، ماهنامه کانون، سال ۵۳، شماره ۱۲۳.

مشکل‌تر از شناسایی و معتبر دانستن سند خارجی است. به عنوان مثال شناسایی و معتبر تلقی نمودن اسناد خارجی در اکثر کشورها موکول به رفتار متقابل نیست در حالی که اجرای اسناد خارجی را موکول به رفتار متقابل می‌نمایند [۵، ص ۸۰-۸۱].

در امور کیفری، ثمره‌ی عملی تفکیک اجرای احکام کیفری خارجی، محاکم داخلی هنگام رسیدگی احکام این است که در شناسایی احکام کیفری خارجی، محاکم داخلی هنگام رسیدگی به جرمی، در صورت رسیدگی و اجرای مجازات قبلی آن جرم در خارج، مجازات اجرا شده در خارج را مدنظر قرار می‌دهند، اما در اجرای احکام کیفری خارجی، محاکم داخلی احکام کیفری صادر شده در محاکم خارجی را مستقیماً به اجرا خواهند گذاشت. علاوه بر این برخی از دلایل موافقین اجرا و شناسایی احکام کیفری خارجی مانند «دکترین اعتبار امر مختومه»، قاعده «منع تعقیب و مجازات مجدد» فقط در توجیه شناسایی احکام کیفری خارجی قابل استناد هستند و دلایلی چون «اصل عمل متقابل» و «نزاکت قضایی» علاوه بر این که در شناسایی احکام کیفری خارجی مورد استناد قرار می‌گیرند، در اجرای این احکام نیز مورد استناد قرار می‌گیرند.

۱.۲. دلایل موافقین اجرا و شناسایی احکام خارجی

در توجیه استثنائات وارد بر قاعده عدم اجرا و شناسایی احکام کیفری خارجی استدلال‌ات مختلفی ارائه شده است. یکی از این استدلال‌ات «دکترین اعتبار امر مختومه» است. به موجب این دکترین «نظم عمومی» ایجاب می‌کند که دعوی در نقطه‌ای به پایان برسد و موضوعاتی که یک بار مورد رسیدگی قضایی قرار گرفته‌اند برای همیشه نسبت به اصحاب دعوی مختومه و فیصله یافته تلقی گردند. احکام دادگاهها معمولاً پس از تلاش‌های زیاد هم برای دادگاهها و هم برای طرفین دعوی صادر می‌شوند و این مستلزم صرف هزینه‌های زیاد هم برای دادگاهها و هم برای طرفین دعوی می‌باشد. لذا اگر امکان رسیدگی مجدد و بررسی دوباره پرونده وجود داشته باشد زحمات و تلاش‌های دستگاههای قضایی و محکوم‌له بیهوده خواهد بود و از طرف دیگر هیچگاه نمی‌توان برای نزاع بین اصحاب دعوی پایانی پیش‌بینی نمود. بنابراین احکام دادگاهها زمانی معتبر خواهند بود که امکان رسیدگی مجدد پرونده وجود نداشته باشد. با توجه به فلسفه وجودی «اعتبار امر مختومه» به یقین می‌توان گفت این قاعده هم در مورد احکام داخلی و هم در مورد احکام خارجی صادق است، لذا این قاعده می‌تواند خط‌مشی موافق با

اجرای احکام خارجی باشد. چرا که اگر احکام جزایی دادگاه‌های خارجی برای محاکم ملی داخلی هیچگونه اعتباری نداشته باشد ممکن است شخصی که به خاطر ارتکاب جرمی در کشوری خارجی محاکمه شده و حکم در موردش اجرا شده است در صورت حضور در کشور دیگر محاکمه شود بی‌آنکه میزان کیفر تحمل شده قبلی از محکومیت جدید کسر گردد. به این ترتیب حقوق چنین شهروندی با محاکمه مجدد و مجازات مضاعف پایمال می‌گردد.

قاعده «منع تعقیب و مجازات مجدد» نیز می‌تواند در توجیه شنایایی احکام کیفری خارجی راهگشا باشد. بر مبنای این قاعده هیچ کس را نمی‌توان به دلیل اتهامی که سابقاً به شیوه‌ای قانونی مورد تعقیب و رسیدگی قرار گرفته و منجر به صدور حکم قطعی اعم از محکومیت و براءت شده، برای بار دوم مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرارداد، حتی اگر محکومیت سابق وی مورد عفو قرار گرفته یا مشمول مرور زمان شده یا به هر جهت از جهات قانونی غیرقابل اجرا باشد. اسناد حقوق بشر بر مبنای همین ضوابط و مبانی، این قاعده را مورد پیش‌بینی قرار داده‌اند. برای نمونه در زمینه اسناد حقوق بشر بین‌المللی می‌توان به بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در حوزه حقوق بشر منطقه‌ای می‌توان به بند ۱ ماده ۴ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی و بند ۴ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی اشاره نمود.

ارتباط بین این قاعده و شناسایی احکام کیفری خارجی به این شکل تجلی می‌یابد که هرگاه فردی در خارج کشور مرتکب جرم شود و در همان محل ارتکاب جرم محاکمه شود بعد از تحمل کیفر در خارج کشور، دیگر بنا بر این قاعده به دلیل ارتکاب همان جرم در کشور متبوع خود قابل مجازات نیست. بنابراین اسقاط مجازات در داخل بنا بر حکم خارجی به معنی اعتبار و شناسایی احکام کیفری خارجی می‌باشد.

از دیگر توجیحات اجرا و شناسایی احکام کیفری خارجی در موارد محدود «دکترین نزاکت قضایی» می‌باشد. اصطلاح «نزاکت» در برخی از منابع این‌گونه تعریف شده است: "نزاکت عبارت است از اینکه دادگاه یک کشور به قوانین و تصمیمات قضایی کشور دیگر اثر بخشد و این اثر بخشیدن نه از روی الزام باشد بلکه به علت احترام متقابل انجام پذیرد" [19]. بر مبنای این نظریه که برگرفته از نظریات گروسوس^۱ و واتل^۲ می‌باشد هیچ کشوری مکلف نیست که قانون خارجی را در قلمرو خود اجرا کند، چرا که چنین

1. Grotius

2. Vattel

تکلیفی نافی استقلال کشورهاست و اگر در برخی از موارد استثنایی کشوری قبول کند که قانون کشور دیگر در قلمرو او اجرا شود این امر صرفاً به لحاظ رعایت منافع خود آن دولت می‌باشد [۴، ص ۵۰-۵۱]. لذا دکتترین نزاکت بین‌المللی بر مبنای تساوی بین دولت‌ها و رفتار متقابل به وجود آمده است و اگر این امر جنبه یک طرفه داشته باشد می‌تواند باعث ایجاد یک نوع رابطه ناخوشایندی میان دو دولت شود.

۲.۲. دلایل مخالفین شناسایی اجرای احکام خارجی

مهم‌ترین دلیل در توجیه اینکه کشورها ملزم به اجرای احکام کیفری که در خارج از قلمرو حاکمیت آنها صادر شده است نیستند، لزوم حفظ حاکمیت ملی است، به این ترتیب که صدور و اجرای حکم کیفری چون مستلزم توسل به قوه قهریه و به کار بردن اجبار در محدود کردن آزادی محکوم‌علیه است، یکی از مصادیق اعمال حاکمیت محسوب می‌شود، بنابراین به کارگیری قوای دولتی و ابزارهای اجبارکننده برای اجرای احکام خارجی سبب سست شدن بنیان حاکمیت و استقلال دولت اجراکننده خواهد شد [۴، ص ۸۰]. حتی برخی از حقوق دانان فرانسوی در تایید این استدلال تاکید نموده‌اند که «فرانسه هیچ نفعی در تامین اجرای احکام کیفری خارجی ندارد» [20: 472].

همچنین گاهی ممکن است خط‌مشی‌هایی مانند رعایت اصول عدالت و حقیقت و علاقه دولت‌ها به حمایت از اتباع خود دکتترین اعتبار امر مختومه را تحت‌الشعاع قرار داده و موجب نادیده گرفته شدن این قاعده از سوی محاکم گردد [۲، ص ۱۷۳].

از خط‌مشی‌هایی که قاعده اعتبار امر مختومه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد رعایت اصول عدالت و حقیقت است. بنابراین در صورتی که احکام صادره از کشورهای خارجی مغایر با اصول عدالت طبیعی و یا ناشی از تقلب باشد فاقد اعتبار امر مختومه خواهند بود. با این توضیح که تفاوت قانون‌گذاری‌ها در کشورهای مختلف سبب می‌شود که افراد متمایل به فرار از حکومت قوانین کشور متبوع خود و ایجاد صلاحیت ساختگی برای قوانین کشوری که منافع آنها را بهتر تامین کند، شده و از وسایلی که قانوناً در اختیار آنهاست، برای رسیدن به یک هدف غیرقانونی استفاده کنند. لذا برای خلاص شدن از حکومت قوانینی که برای آنها نامطلوب است معمولاً یکی از عوامل ارتباط را مانند تابعیت یا اقامتگاه خود را تغییر داده و بدین وسیله منظور خود را عملی می‌کنند. به عنوان مثال در آمریکا نوعی طلاق موسوم به «طلاق مهاجرتی» رایج است که علت آن سهولت در برخی از ایالات مانند نوادا است.

خطمشی دیگری که اعمال اصل اعتبار امر مختومه را محدود می‌کند تمایل کشورها به حمایت از اتباع خود می‌باشد. بدین معنا که دولت‌ها به دلیل علاقه به حمایت از اتباع خود معمولاً حاضر به اجرای احکام کشورهای دیگر نسبت به اتباع خود نیستند [۲، ص ۱۷۳].

۳. شناسایی و اجرای احکام کیفری خارجی در نظام حقوق اسلامی

در خصوص شناسایی و اجرای احکام کیفری خارجی در نظام حقوق اسلام دو دیدگاه موافق و مخالف وجود دارد. دیدگاه موافق با اجرای احکام کیفری خارجی مبتنی بر اصل عمل متقابل، اجرای احکام سایر ادیان الهی در قلمرو حاکمیت حکومت اسلامی و قاعده درء می‌باشد، و دیدگاه مخالفان بر پایه فقدان شرایط تصدی منصب قضا در قضات غیر مسلمان استوار است.

۱.۳. دیدگاه موافقان شناسایی و اجرای احکام کیفری خارجی در نظام حقوق اسلامی

همانطور که بیان شد دیدگاه موافق با اجرای احکام کیفری خارجی مبتنی بر اصل عمل متقابل، اجرای احکام سایر ادیان الهی در قلمرو حاکمیت حکومت اسلامی و قاعده درء می‌باشد، لذا در ادامه به تشریح آنها پرداخته خواهد شد.

۱.۱.۳. اصل عمل متقابل در نظام حقوقی اسلام و ارتباط آن با اجرای احکام

کیفری خارجی

«مقابل به مثل» ترکیبی از دو واژه «مقابل» و «مثل» است. «مقابل» مصدر ثلاثی «قابل» است و «قابل» به معنای رو در روی کسی قرار گرفتن، معاوضه کردن با کسی و مواجه شدن آمده است [۱، ص ۵۲۵]. مقابل نیز به مواجه شدن و روبرو شدن در فارسی معنا شده است [۱۶، ص ۴۲۷۹] و نیز به معنای مقایسه، برابری، تلافی کردن، رویارویی، ضدیت و مخالفت آمده است [۸، ص ۱۸۷۶۹]. «مثل» نیز مترادف مانند، نظیر [۱۶، ص ۴۲۷۹]، همتا، و شبیه آمده است [۸، ص ۱۸۷۹۷] و ترکیب دو واژه یعنی «مقابل به مثل» را به معنای تلافی کردن و بدی یا نیکی کسی را بعینه عوض دادن آورده‌اند [۸، ص ۱۸۷۹۷]. در حقوق بین‌الملل نیز واژه‌های چون "Reciprocate"، "Retaliate"، "Reprisal" به عمل متقابل، تلافی و معامله به مثل در روابط بین‌الملل اشاره دارند [۳، ص ۱۸۸].

آیات قرآن کریم بر دوگونه از مقابله به مثل دلالت دارند؛ دسته اول بر مقابله به مثل در مقابل بدی، سیئه و اعتدای تجاوز دیگران اشاره دارد که بیشتر با مفهوم عرفی و اصطلاحی آن تطابق دارد و بیشتر با عبارت «اعتداء به مثل^۱»، «معاقبه به مثل^۲» و «قصاص^۳» و «نبذ سواء^۴» آمده است که بیشتر جنبه تلافی جویانه برای شخص مظلوم و جنبه بازدارندگی برای شخص ظالم و متجاوز را مدنظر دارد؛ نوع دوم مقابله به مثل نیز مقابله به مثل در مقابل خوبی، احسان و خیر دیگران است که بیشتر به جنبه اخلاقی روابط انسانی اشاره دارند که در آیاتی مانند آیه ۶۰ سوره مبارکه رحمان^۵ و آیه ۸۶ سوره مبارکه نساء^۶ به آن اشاره شده است.

ماهیت این دو قسم مقابله به مثل با یکدیگر کاملاً متفاوت است. مقابله به مثل در مقابل بدی یک حق برای شخصی که مورد تعدی قرار گرفته در نظر گرفته شده است که این حق، قابل اسقاط و عفو می‌باشد؛ اما مقابله به مثل در مقابل نیکی و احسان یک تکلیف است و دستور داده شده که به احسانی که صورت گرفته، بهترین پاسخ داده شود «باحسن منها» یا دست کم با آن برابر باشد «اوردوها» [۱۸، ص ۱۳۶].

اصل مقابله به مثل در احادیث اسلامی نیز به شکل‌های مختلفی بیان شده است.

برای نمونه:

- ۱- شخصی از پیامبر اسلام پرسید: ای فرستاده خدا! کاری به من یاد بده که میان آن کردار و بهشت فاصله‌ای نباشد. پیامبر فرمود: "خشم مگیر و از مردم چیزی طلب مکن، و نیز برای مردم بیسند آنچه را برای خود می‌پسندی"^۷ [۱۳، ج ۷۲، ص ۲۷].
- ۲- عرب بادیه نشینی نزد پیامبر آمد، رکاب شتر پیامبر را گرفت و گفت: ای رسول خدا، چیزی به من یاد بده که به وسیله آن وارد بهشت شوم! پیامبر فرمود: "آنچه را که دوست داری دیگر مردمان نسبت به تو روا دارند، تو نیز همان را نسبت به آنان روا دار. و

۱. فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ (بقره: ۱۹۴)

۲. وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ ... (نحل: ۱۲۶)

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ ... (بقره: ۱۷۸)

۴. وَالشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ... (بقره: ۱۹۴)

۵. وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ (انفال: ۵۸)

۶. هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (رحمن: ۶۰)

۷. وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا (نساء: ۸۶)

۸. قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ ص يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلِمَنِي عَمَلًا لَا يَحَالُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ قَالَ لَا تَغْضَبْ وَلَا تَسْأَلِ النَّاسَ شَيْئًا وَارْضَ لِلنَّاسِ مَا تَرْضَىٰ لِنَفْسِكَ.

آنچه را که ناپسند می‌داری دیگر مردمان نسبت به تو انجام دهند، تو نیز آن را در حق آنان انجام مده. حال، رکاب شتر را رها کن! [همین قاعده برای تو کافی است، برو و بر اساس آن عمل کن]^۱ [۱۳، ج ۷۱، ص ۱۰۶].

۳- پیامبر اسلام در نصیحتی به علی بن ابی طالب فرمودند: "ای علی! هر چه برای خود نمی‌پسندی برای دیگری می‌پسند، و آنچه برای خود می‌خواهی برای دیگران هم بخواه؛ در این صورت در قضاوت خویش دادگر و در دادگریت یکسان‌نگر خواهی بود، و اهل آسمان تو را دوست خواهند داشت و در سینه اهل زمین به محبت جای خواهی گرفت. این سفارش مرا - به خواست خدا - به خاطر سپار"^۲ [۱۳، ج ۷۴، ص ۶۸].

۴- علی(ع) در سفارش به فرزندش فرمودند: "ای پسر! توصیه‌ام را دریاب، و نفس خود را ترازو و مقیاس میان خود و دیگران قرار ده: پس آنچه را که برای خود دوست‌داری برای دیگران نیز دوست‌دار، و آنچه را که برای خود خوش نمی‌داری، برای دیگران هم خوش‌مدار؛ ستم روا مدار، آنگونه که دوست‌نداری به تو ستم شود؛ نیکی کن، آنگونه که دوست‌داری به تو نیکی کنند؛ و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار؛ و چیزی را برای مردم بی‌پسند که برای خود می‌پسندی؛ چیزی را که نمی‌دانی مگو، بلکه همه چیزهایی که می‌دانی را مگو: از مواردی که دوست‌نداری که در مورد تو گفته شود"^۳ [۱۳، ج ۷۲، ص ۲۹].

۵- علی بن ابی طالب فرمودند: "برای ادب کردن خود همین بس که آنچه را که از دیگری بد می‌داری، از آن اجتناب نمایی؛ برادر مؤمنت همان حق را بر تو دارد که تو بر او داری"^۴ [۱۳، ج ۱، ص ۱۶۹].

۱. جَاءَ أَعْرَابِي إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى وَهُوَ يَرِيدُ بَعْضَ عَزَوَاتِهِ فَأَخَذَ بَعْرُزَ رَأْحَلِيَّتِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي عَمَلًا أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ فَقَالَ مَا أَحْبَبْتُ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَأَتِيَهُ إِلَيْهِمْ وَ مَا كَرِهْتُ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَلَا تَأْتِهِ إِلَيْهِمْ حَلَّ سَبِيلِ الرَّأْحَلِيَّةِ.

۲. يَا عَلِيُّ مَا كَرِهْتَهُ لِنَفْسِكَ فَافْكِرْ لِعَيْرِكَ وَ مَا أَحْبَبْتَهُ لِنَفْسِكَ فَأَحْبِبْهُ لِأَخِيكَ تَكُنْ عَادِلًا فِي حُكْمِكَ مُقْسَطًا فِي عَدْلِكَ مُحِبًّا فِي أَهْلِ السَّمَاءِ مَوْدُودًا فِي صُدُورِ أَهْلِ الْأَرْضِ أَحْفَظْ وَصِيَّتِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

۳. يَا بَنِي تَفَهَّمْ وَصِيَّتِي، وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا [فِيمَا] بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ، فَأَحْبِبْ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ، وَ لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ (تَحِبُّ أَنْ لَا تَظْلِمَ)، وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَقْبِحْ لِنَفْسِكَ (مِنْ نَفْسِكَ) مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ، وَ ارْضَ مِنَ النَّاسِ [لَكَ] بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ وَ لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا عَلِمْتَ مِمَّا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ

۴. كَفَاكَ أَدَبًا (تَأْدِيبًا) لِنَفْسِكَ اجْتِنَابُ مَا تَكْرَهُهُ لِعَيْرِكَ (مِنْ غَيْرِكَ)، وَ عَلَيْكَ لِأَخِيكَ الْمُؤْمِنِ مِثْلُ الَّذِي لَكَ عَلَيْهِ.

در خصوص کارکرد اصل مقابله به مثل در اجرای احکام کیفری خارجی با عنایت به این که در آیات قرآن، مقابله به مثل در مقابل نیکی و احسان یک تکلیف است و باید به احسان و نیکی به بهترین روش پاسخ داده شود، می‌توان گفت اگر کشوری احکام صادره از یک کشور اسلامی را در قلمرو حاکمیت خود به اجرا گذارد در حق کشور اسلامی احسان کرده است و کشور اسلامی نیز بنا بر اصل مقابله به مثل در مقابل احسان ملزم است به این احسان پاسخ دهد و احکام صادره از آن کشور را اجرا نماید.

۲.۱.۳. اجرای احکام سایر ادیان الهی در قلمرو حاکمیت حکومت اسلامی

در خصوص اجرای احکام سایر ادیان الهی در قلمرو حاکمیت حکومت اسلامی آیه ۴۲ سوره مائده^۱ در خور توجه است. خداوند در این آیه می‌فرماید: "آنها سخت شنونده و پذیرنده دروغ و خورنده حرامند (مردمشان از علمای خود دروغ می‌پذیرند و علمائشان از مردم رشوه می‌گیرند) پس اگر به نزد تو آمدند خواهی میان آنها داوری کن یا از آنان روی برتاب، و اگر روی برتافتی هرگز هیچ زبانی به تو نمی‌رسانند، و اگر داوری کردی میانشان به عدل و داد داوری کن، زیرا خدا عدالت پیشگان را دوست دارد"^۲.

در شأن نزول این آیه، روایات متعددی وارد شده، از همه روشن‌تر، روایتی است که از امام باقر (علیه‌السلام) در این زمینه نقل گردیده که خلاصه‌اش چنین است: یکی از اشرافِ یهود «خیبر» که دارای همسر بود، با زن شوهرداری که او هم از خانواده‌های سرشناس «خیبر» محسوب می‌شد، عمل منافی عفت انجام داد، یهودیان از اجرای حکم «تورات» (سنگسار کردن) در مورد آنها ناراحت بودند، و به دنبال راه حلی می‌گشتند که آن دو را از حکم مزبور معاف سازد و در عین حال، پای بند بودن خود به احکام الهی را نشان دهند. این بود که برای هم مسلکان خود در «مدینه» پیغام فرستادند: حکم این حادثه را از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بپرسند (تا اگر در اسلام حکم سبک‌تری بود، آن را انتخاب کنند و در غیر این صورت آن را نیز به دست فراموشی بسپارند. به همین جهت، جمعی از بزرگان یهود «مدینه» به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) شتافتند.

۱. سَمَاعُونَ لِّلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِّلسُّحْتِ فَإِنْ جَاؤَكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تَعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصْرِوْكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: آیا هر چه حکم کنم می پذیرید؟ گفتند: به خاطر همین نزد تو آمده ایم! در این موقع، پیامبر (صلی الله علیه و آله) حکم به سنگسار نمود، ولی آنها از پذیرفتن این حکم (به عذر این که در مذهب آنها چنین حکمی نیامده) شانه خالی کردند! پیامبر (صلی الله علیه و آله) اضافه کرد: این همان حکمی است که در تورات شما نیز آمده، آیا موافقید که یکی از شما را به داوری بطلبم و هر چه او از زبان «تورات» نقل کرد، بپذیرید. گفتند: آری. پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت: «این صوری» که در «فدک» زندگی می کند چگونه عالمی است؟ گفتند: او از همه یهود به «تورات» آشناتر است. به دنبال او فرستادند، هنگامی که نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد، به او فرمود: تو را به خداوند یکتائی که «تورات» را بر موسی (علیه السلام) نازل کرد، دریا را برای نجات شما شکافت و دشمن شما فرعون را غرق نمود، و در بیابان شما را از مواهب خود بهره مند ساخت سوگند می دهم بگو: آیا حکم سنگباران کردن در چنین موردی در «تورات» بر شما نازل شده است یا نه؟ او در پاسخ گفت: سوگندی به من دادی که ناچارم بگویم: آری؛ چنین حکمی در «تورات» آمده است. در این هنگام، پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور داد: آن مرد و زن را در مقابل مسجد سنگسار کنند.^۱

تدبیر در این آیه و شان نزول آن می تواند مبین نکات ذیل در خصوص اجرای احکام سایر ادیان الهی در قلمرو حاکمیت حکومت اسلامی باشد:

اولاً: در این آیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) این اختیار را می دهد که: "هرگاه این گونه اشخاص برای داوری به او مراجعه کردند می تواند در میان آنها با احکام اسلام داوری کند و می تواند از آنها روی گرداند". از این اختیاری که به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) داده شده است می توان استنباط نمود که اعراض پیامبر از داوری در میان پیروان سایر ادیان الهی به معنی احاله کردن ایشان به محاکم خودشان است.

ثانیاً: شان نزول این آیه حکایت از آن دارد که سیره عملی در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بدین گونه بوده است که پیروان سایر ادیان الهی در قلمرو حاکمیت حکومت اسلامی این اختیار را داشته اند که در میان خود بر مبنای آموزه های دینی خود قضاوت نمایند و حکم صادر کنند و ملزم نبودند در مسائل پیش آمده مابین خود به محاکم اسلامی رجوع نمایند. چرا که در مسئله پیش آمده ابتدائاً ملزم به رجوع به پیامبر صلی

۱. طبق روایتی که «بیهقی» در جلد ۸ «سنن» خود، صفحه ۲۴۶ (دارالفکر بیروت) نقل کرده، هنگامی که علمای یهود خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمدند، آن زن و مرد را نیز همراه خود آورده بودند (صحیح بخاری، جلد ۵، صفحه ۱۷۰، دارالفکر بیروت، ۱۴۰۱ ه.ق).

الله علیه وآله) نبودند و چون گریزی از اجرای حکم سنگسار بر مبنای آموزه‌های تورات برای آنان نبود به پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) رجوع نمودند.

در زمان امام علی (علیه السلام) نیز، والی حضرت در مصر درباره مرد مسلمانی که با زن مسیحی زنا کرده بود، سوال کردند. حضرت دستور اجرای حد مرد مسلمان و واگذاری زن مسیحی به مسیحیان را دادند، تا آنان خود حکم خویش را جاری کنند [۶، ج ۲۸، ص ۱۵۲]. فلیپ یکی از دانشمندان غیر مسلمان، در این باب می‌گوید «اهل ذمه در مسایل حقوقی و همه امور قانونی، جز در مواردی که به یک مسلمان مربوط می‌شد، پیرو روسای روحانی خود بودند» [۱۱، ص ۴۱۱].

بنابر مطالب صدرالاشاره می‌توان گفت که پیروان سایر ادیان الهی در قلمرو حاکمیت حکومت اسلامی می‌توانند از استقلال قضایی برخوردار باشند. استقلال قضایی پیروان سایر ادیان الهی در قلمرو حاکمیت اسلام نیز منتج به اجرای قوانین خارجی (که قوانین سایر ادیان الهی از مصادیق آن است) خواهد شد.

۳.۱.۳. قاعده درء و ارتباط آن با شناسایی احکام کیفری خارجی

برخی فقهای موافق اعتبار دادن به احکام خارجی سازگاری اعتبار دادن به احکام خارجی با قاعده درء را مطرح نموده‌اند. مفاد اجمالی قاعده آن است که در مواردی که وقوع جرم و یا انتساب آن به متهم و یا مسئولیت و استحقاق مجازات وی به جهتی، محل تردید و مشکوک باشد، به موجب این قاعده باید جرم و مجازات را منتفی دانست [۱۴، ص ۴۳]. با توجه به اینکه دایره شمول این قاعده به شک در استحقاق مجازات تسری پیدا می‌کند، می‌توان گفت در این مورد که فرد در خارج از کشور مرتکب جرم گردیده و در همان محل ارتکاب جرم محاکمه گردیده و بعد از تحمل کیفر به کشور متبوع خود بازگشته است در این که آیا چنین فردی مستحق مجازات دوباره است یا نه تردید وجود دارد، پس به تبع این شک اعمال قاعده درء موجب اسقاط مجازات چنین فردی می‌گردد. لذا ممکن است احکام خارجی به موجب قاعده درء موجب سبب سقوط مجازات گردد لذا این قاعده می‌تواند موجب شناسایی و اعتبار احکام خارجی شود.

۲.۳. دیدگاه مخالفان شناسایی و اجرای احکام کیفری خارجی در نظام حقوق اسلامی

علاوه بر دلایلی که در خصوص عدم اجرای احکام کیفری خارجی بیان شد در کشورهای مسلمان که نظام حقوقی آنها مبتنی بر فقه اسلامی است اجرای احکام کیفری خارجی با مانع دیگری مواجه

است. از منظر فقه اسلامی چون احکام کیفری خارجی از سوی قضاتی صادر می‌شود که شرایط شرعی لازم برای قضاوت ندارند، نمی‌توان آنها را معتبر دانست. بدین معنا که تصدی منصب قضا در شرع اسلام امری خطیر و مهم محسوب می‌شود و فردی که به تصدی این منصب نایل می‌شود باید دارای شرایطی از قبیل: بلوغ، عقل، مذکر بودن، ایمان، طهارت مولد، عدالت، رشد، اجتهاد و ... باشد. از نظر فقها اگر قاضی واجد این شرایط نباشد احکام صادره وی فاقد وجهت شرعی خواهد بود که از آن در فقه تحت عنوان قضاوت جور یاد می‌شود. از آنجایی که قضات رسیدگی‌کننده در محاکم خارجی واجد شرایط مذکور نیستند حکم صادره از سوی این قبیل قضات در کشورهای مسلمان فاقد اعتبار و وجهت شرعی می‌باشد [۱۰، ص ۱۲۴].

از جمله شرایطی که برای صلاحیت قاضی، خصوصاً در فقه حائز اهمیت دانسته شده است، اجتهاد است. مشهور فقها قائل به لزوم اجتهاد در قضاوت هستند و بر این مطلب تاکید بسیار دارند. این فقها برای اثبات نظر خویش ادله متعددی را ارائه نموده‌اند. آیات و روایات نهی‌کننده از عمل به غیرعلم از جمله آیه ۳۶ سوره اسراء^۱، آیه ۳۶ سوره یونس^۲، آیه ۱۶۹ سوره بقره^۳، صحیحیحه ابی عبیده از امام باقر(ع)^۴ [۶، ج ۲۷، ص ۲۰]، روایت مرفوعه از امام صادق(ع) که شیخ مفید در مقنعه این روایت را از امام علی (ع) نقل می‌کند [۹، ج ۶، ص ۲۱۸]^۵ و روایت سلیمان بن خالد از امام صادق(ع)^۶ [۱۲، ج ۷، ص ۴۰۶] و همچنین آیات امرکننده به حکم بنابر «ما انزل الله» از جمله آیه ۱۰۵ سوره نساء^۷، آیه ۴۵، ۴۷ و ۴۹ سوره مائده^۸، در لزوم اجتهاد در قضاوت مورد استناد فقها قرار گرفته است.

۱. وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۶).
۲. وَ مَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (یونس: ۳۶).
۳. إِمَّا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوِّ وَالْفَحْشَاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره: ۱۶۹).
۴. مَنْ أَتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى مِنَ اللَّهِ، لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ، وَ لَحِقَهُ وِزْرٌ مِنْ عَمَلٍ بِفِتْيَاهُ.
۵. الْقَضَاءُ أَرْبَعَةٌ: ثَلَاثَةٌ فِي النَّارِ وَ وَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ: رَجُلٌ قَضَى بِجَوْرٍ وَ هُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ، وَ رَجُلٌ قَضَى بِجَوْرٍ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ، وَ رَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ وَ رَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ وَ هُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ.
۶. اتَّقُوا الْحُكُومَةَ؛ فَإِنَّ الْحُكُومَةَ إِنَّمَا هِيَ لِلْإِمَامِ الْعَالِمِ بِالْقَضَاءِ الْعَادِلِ فِي الْمُسْلِمِينَ، لِنَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ.
۷. إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَ لَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا (نساء: ۱۰۵).
۸. وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (مائده: ۴۵).
- وَ لِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (مائده: ۴۷).
- وَ أَنْ أَحْكَمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ احْذَرَهُمْ أَنْ يَقْتُنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلِمَ أَنَّ مَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (مائده: ۴۹).

در این خصوص مقبوله عمر بن حنظله و مشهوره ابو خدیجه نیز قابل توجه است. عمر بن حنظله می‌گوید: "از امام صادق (ع) در باره دو تن از اصحابمان که در میان آنها در مورد دین یا میراث نزاعی پیش آمده بود و نزاع خود را نزد سلطان یا قاضی‌ها (ی سلطان) برده بودند، سوال کردم؛ که آیا چنین عملی حلال است؟ حضرت فرمود: هر کس نزاع خود را نزد طاغوت ببرد و طاغوت به نفع او حکم کند، اگر چه حشش ثابت باشد، آنچه به دست آورده حرام است، زیرا آنچه به دست آورده، به حکم طاغوت بوده است؛ در حالی که خداوند دستور داده که به طاغوت کفر بورزند. گفتم: چه باید بکنند؟ حضرت فرمود: بنگرید در میان خویش آن کسی که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما نظر می‌افکند و احکام ما را می‌شناسد، به داوری او رضایت دهید که من او را حاکم شما قرار دادم، پس آنگاه که به حکم ما حکم نمود و از وی نپذیرفتند بی‌گمان حکم خدا را سبک شمرده و به ما پشت کرده‌اند و کسی به ما پشت کند به خداوند پشت کرده و این در حد شرک به خداوند است. گفتم اگر هر کدام شخصی را حکم ساخت و راضی شدند که آن دو شخص ناظر در حق آنان باشند و آن دو حکم، حکم مختلف دادند و هر دو از شما حدیث داشتند و حدیث‌هایشان مختلف بود، در این صورت چه باید کرد؟ فرمود: حکم آن کسی درست‌تر است که عادل‌تر و فقیه‌تر و در نقل حدیث راست‌گوتر و با تفاوت‌تر است و به حکم آن دیگری توجه نشود^۱» [ج ۶، ص ۲۱۸].

ابو خدیجه (یکی از اصحاب مورد اعتماد امام صادق (ع)) نیز می‌گوید که امام صادق (ع) به من مأموریت دادند که به دوستانمان (شیعه) از طرف ایشان چنین پیغام بدهم: «مبادا وقتی بین شما خصومت و نزاعی اتفاق می‌افتد، یا در مورد دریافت و پرداخت اختلافی پیش می‌آید، برای محاکمه و رسیدگی به یکی از این جماعت زشتکار مراجعه کنید. مردی را که حلال و حرام ما را می‌شناسد بین خودتان حاکم و داور

۱. عن عمر بن حنظلة: قال سألت ابا عبد الله عليه السلام عن رجلين من اصحابنا بينهما منازعه في دين او ميراث فتحاكما الى السلطان او الى القضاة ايحل ذلك؟ قال: من تحاكم في حق او باطل فانما تحاكم الى الطاغوت و ما يحكم له فانما يأخذ سحتاً و ان كان حقاً ثابتاً له، لانه اخذه بحكم الطاغوت و قد امر الله ان يكفر به قال الله تعالى «يريدون ان تحاكموا الى الطاغوت و قد امروا ان يكفروا به» قلت: فكيف يصنعان؟ قال: ينظران من كان ممن قد روى حديثنا و نظر في حلالنا و حرامنا و عرف احكامنا فليرضوا به حكماً فاني قد جعلته عليكم حاكماً، فاذا حكم بحكمنا فلم يقبله منه فانما استخف بحكم الله و علينا رد و الراد علينا الراد على الله و هو على حد الشرك بالله. قلت: فإن كان كل رجل اختار رجلاً من اصحابنا فرضياً أن يكونا الناظرين في حقهما، و اختلفا فيما حكما و كلاهما اختلفا في حديثكم؟ قال: الحكم ما حكم به أعدلهما و أفقههما و أصدقهما في الحديث و أورعهما و لا يلتفت إلى ما يحكم به الآخر.

سازید؛ زیرا من او را بر شما قاضی قرار داده‌ام. و مبدا که بعضی از شما علیه بعضی دیگران به قدرت حاکمه جائر شکایت برد^۱» [۶، ج ۲۷، ص ۱۳۹].

۴. اجرای احکام کیفری صادره از دادگاههای خارجی در ایران

در قوانین ایران نیز اصل «عدم اجرای احکام کیفری خارجی» پذیرفته شده است و مراجع قضایی ایران مجاز به اجرای احکام کیفری صادره از مراجع قضایی بیگانه نیستند. به عنوان مثال در ماده ۵، بند (ب) ماده ۷ و بند (الف) ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار صرفاً در خصوص جرایم تعزیری برای احکام خارجی اعتبار قائل است و در خصوص جرایم مستوجب حد، قصاص و دیات چنین اعتباری را در نظر نگرفته است. مضافاً این که وفق تبصره دو ماده ۱۱۵ همین قانون نیز اعتبار احکام کیفری به جرایم تعزیرات منصوص شرعی نیز قابل تسری نیست.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی این اصل به دلیل سازگاری با برخی از دیدگاههای فقهی مبنی بر عدم وجود شرایط شرعی لازم برای قضاوت در قضات دادگاه کشورهای خارجی که در مباحث قبلی به آن پرداخته شد، اعتبار بیشتری در حقوق کیفری ایران یافته است.^۲ با این اوصاف انعقاد موافقتنامه‌های «انتقال محکومین» مابین ایران و برخی از سایر کشورها را می‌توان استثنایی بر این اصل تلقی کرد.

۱. محمد بن حسن پاسبانده عن محمد بن علی بن محبوب، عن احمد بن محمد، عن حسین بن سعید، عن ابي الجهم، عن ابي خديجة، قال بعثني ابو عبدالله (ع) إلى أحد من أصحابنا فقال: قل لهم: إياكم، إذا وقعت بينكم الخصومة أو تدارى في شيء من الأخذ والعطاء أن تحاكموا إلى أحد من هؤلاء الفساق. اجعلوا بينكم رجلاً قد عرف حلالنا وحرامنا؛ فإني قد جعلته عليكم قاضياً. وإياكم أن يخاصم بعضكم بعضاً إلى السلطان الجائر.

۲. به عنوان مثال شورای نگهبان در مقام اعلام مغایرت مصوبه مجلس در خصوص موافقتنامه معاضدت قضایی و انتقال محکومان مابین ایران و سوریه در نظریه شماره ۸۰/۲۱/۱۵۲۳ مورخ ۱۳۸۰/۳/۱۷ با این استدلال که احکام کیفری خارجی توسط قاضی غیر واجد شرایط و غیر منصوب صادر می‌گردند، اجرای چنین احکامی را خلاف شرع تشخیص داده است. همچنین اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در تاریخ ۸۲/۸/۱۹ در خصوص عدم اجرای احکام کیفری خارجی چنین اظهار نظر کرده است: «اجرای احکام جزایی کشورهای دیگر در مورد ایرانیان مجوز قانونی ندارد و اگر کشور صادر کننده حکم تحویل مجرم را مشروط به تعهد و تقبل اجرای آن به وسیله ایران در ایران نماید قانوناً مجوزی برای این تعهد وجود ندارد و چگونه بدون احراز بزهکاری شخص تابع ایران به وسیله محاکم قضایی ایران می‌شود تعهد نمود که حکم جزایی کشور خارجی را در مورد او اجرا کرد؟» با این حال در حقوق کیفری ایران در موارد کاملاً استثنایی احکام کیفری دادگاههای خارجی قابلیت اجرا در قلمرو حاکمیت ایران دارند که در ادامه به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

با توجه به اصل «صلاحیت سرزمینی بودن» قوانین جزایی یک کشور درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت آن کشور مرتکب جرم می‌شوند اعمال می‌شود. به طور معمول در اعمال این اصل به تابعیت مرتکب توجه نمی‌شود. اما در حقوق کیفری نوین نمی‌توان به یک باره در اعمال این اصل تابعیت مرتکب را نادیده گرفت. به عنوان مثال در اجرای اصل صلاحیت سرزمینی اگر یک ایرانی در خارج از کشور به دلیل ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شود، مدت حبس خود را در یکی از زندان‌های خارجی سپری می‌نماید که از نظر زبان، فرهنگ، آداب و عادات اجتماعی وجه اشتراکی با سایر زندانیان ندارد و بستگان وی نیز امکان ملاقات با وی را در زندان ندارند. وجود چنین مشکلاتی ارتباط زندانی را با محیط پیرامونش دشوار می‌سازد و در نتیجه تحمل مجازات برای وی سخت‌تر و ناعادلانه خواهد بود و در سازگاری اجتماعی وی اخلاص ایجاد می‌نماید. در حقوق کیفری نوین به منظور رفع چنین مشکلاتی، انتقال محکومان به عنوان یکی از اشکال معاضدت جزایی بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. در این نوع از معاضدت، شخصی که به دلیل ارتکاب جرمی در دادگاه‌های کشوری محاکمه و محکوم شده است، به کشور متبوع محکوم‌علیه منتقل می‌شود تا باقیمانده محکومیت خود را در آنجا سپری نماید. البته برخلاف اطلاق عنوان، انتقال محکومین منحصر به کیفرهای سالب آزادی است و سایر مجازات‌ها را شامل نمی‌شود.

قطع نظر از موافقت‌نامه‌های دو جانبه در خصوص انتقال محکومین، اعضای شورای اروپا در تاریخ ۲۸ مه ۱۹۷۰ کنوانسیون در مورد ارزش بین‌المللی احکام کیفری به تصویب رساندند که در ماده پنج این کنوانسیون انتقال محکومان به نحو محدودی پیش‌بینی شده بود. اما به دلیل محدودیت‌های این نوع انتقال، لزوم تدوین کنوانسیون جامع در این خصوص احساس می‌شد. در نتیجه در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۸۳ کنوانسیون شورای اروپا درباره انتقال محکومان در استراسبورگ به امضا رسید و از اول ژوئیه ۱۹۸۵ لازم‌الاجرا گردید. بعد از آن نیز در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ موافقت‌نامه نمونه سازمان ملل درباره انتقال زندانیان طی قطع‌نامه‌ای به تصویب مجمع عمومی این سازمان رسید [۷، ص ۱۸].

در سال‌های اخیر نیز ایران با درک ضرورت توسعه همکاری قضایی با دیگر کشورها اقدام به انعقاد موافقت‌نامه دو جانبه با برخی از کشورها نموده است. بیشتر این کشورها به دلیل داشتن مرز مشترک یا نزدیکی جغرافیایی با ایران یا به دلیل برخورداری از

جاذبه‌های گردشگری همه ساله پذیرای تعداد قابل ملاحظه‌ای از ایرانیان هستند. تعداد معدودی از این موافقت‌نامه‌های دو جانبه مربوط به انتقال محکومان می‌باشد. قانون موافقت‌نامه انتقال محکومین به حبس بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان^۱، قانون موافقت‌نامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه^۲ و قانون موافقت‌نامه انتقال محکومین به حبس بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان از جمله این موافقت‌نامه‌ها هستند. بنابراین ایران با پذیرش موافقت‌نامه‌های بین‌المللی انتقال محکومین به طور استثنایی اجرای احکام کیفری خارجی را در قلمرو حاکمیت خود پذیرفته است.

۵. شناسایی احکام کیفری صادره از دادگاههای خارجی در ایران

در نظام حقوق کیفری ایران علاوه بر موارد استثنایی اجرای احکام کیفری خارجی که در مبحث گذشته مورد بررسی قرار گرفت مواردی پیش‌بینی شده است که احکام کیفری خارجی بدون اینکه قابلیت اجرا در قلمرو حاکمیت ایران داشته باشند از برخی جهات دیگر مانند رعایت اصل منع مجازات مضاعف در تعیین مجازات‌ها و اعمال مرور زمان کیفری در اجرای احکام خارجی کیفری، تأثیر بر سجل کیفری افراد و اعمال مجازات‌های تبعی و تعیین خسارات ناشی از جرم معتبر شناخته است. در ادامه به بررسی بیشتر این موارد خواهیم پرداخت:

(۱) تأثیر احکام کیفری خارجی بر رعایت اصل منع مجازات مضاعف از سوی محاکم

۱. این موافقت‌نامه در تاریخ ۷۶/۱۲/۲ هجری شمسی مطابق با ۱۹۹۸/۲/۲۱ میلادی در شهر باکو در دو نسخه اصلی به زبان‌های فارسی، آذری و انگلیس تنظیم گردید و قانون آن مشتمل بر ماده واحده منضم به متن توافقنامه شامل مقدمه و ۲۲ ماده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۲۵ فروردین ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۵ به تایید شورای نگهبان رسید.
۲. این موافقت‌نامه در تاریخ ۱۴۲۰/۱/۲۸ هجری قمری برابر با ۱۳۷۸/۲/۲۵ هجری شمسی برابر با ۱۹۹۹/۵/۱۵ میلادی در ۴ نسخه اصلی به زبانهای فارسی و عربی در دمشق تنظیم شده است قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقت‌نامه شامل مقدمه و نود و نه ماده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ سی‌ام آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۵ عیناً به تصویب نهائی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.

ایران: در قوانین جزایی ایران قبل از انقلاب یکی از موارد قابل توجه در خصوص اصل منع مجازات مضاعف وضعیت ماده ۳ قانون مجازات عمومی اصلاحی سال ۱۳۵۲ بود. بر اساس بند ج این ماده: "هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم زیر شود طبق قانون ایران مجازات می‌شود و هرگاه نسبت به آن جرم در خارج مجازات شده باشد بابت مجازاتی که در دادگاههای ایران تعیین می‌گردد احتساب خواهد شد". همچنین بند (ه) این ماده درباره شرایط تعقیب و محاکمه اتباع ایرانی که در کشور خارجی مرتکب جرم شده بودند مقرر می‌داشت که: «در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده باشد یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد». بعد از انقلاب ماده صریحی در این خصوص ملاحظه نمی‌شد، تا اینکه رفته رفته قانونگذار داخلی نیز اهمیت و لزوم اجرای این قاعده را درک نموده و با توجه به محدودیتهای خود خصوصاً در خصوص مجازاتهایی که جنبه حق‌الناس دارند و شرعاً قابل تبدیل نمی‌باشند (مجازاتهای موضوع حدود و قصاص)، اجرای این قاعده و قبول اعتبار احکام خارجی را در جرائم قابل تعزیر بشرح ماده ۵ و بند (ب) ماده ۷ و بند (الف) ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۲/۱ پذیرفت.

۲) رعایت مرور زمان کیفری در اجرای احکام کیفری خارجی: در امور کیفری قبل از مشروطیت به صورتی که امور کیفری تعقیب می‌شد و مجازات اجرا می‌گردید، قاعده‌ای به عنوان مرور زمان وجود نداشت، بعد از مشروطیت در اخذ مقررات کیفری از کشورهای اروپائی، مرور زمان هم بخشی از مقررات را به خود اختصاص داد. در مواد ۵۱ و ۵۲ قانون مجازات عمومی، سال ۱۳۰۴ و مواد ۴۹ تا ۵۳ قانون مجازات عمومی اصلاحی، سال ۵۲، همچنین در شق چهارم، ماده ۸ اصول محاکمات جزایی، سال ۱۳۱۸، مرور زمان در جرایم شناخته شده بود [۱۵، ص ۱۸۳].

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شورای نگهبان مرور زمان کیفری را خلاف شرع اعلام نموده است. آنان در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۱ در مورد مواد قانونی مربوط به مرور زمان کیفری در قانون مجازات عمومی و ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی چنین اظهار عقیده نمودند: "شورای عالی محترم قضائی عطف به نامه شماره ۲۶۵۳۳/۱ مورخ ۱۳۶۰/۹/۱۸ پیرو نامه شماره ۴۰۵۹ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۵ دائر بر ابطال مواد متعددی از قانون مجازات عمومی، اینک مواد دیگری از قانون مجازات عمومی و قانون مدنی را که در جلسه فقهای شورای نگهبان مورخ ۱۳۶۱/۶/۱ مطرح و مورد بحث قرار گرفته و با اکثریت آراء

فقهاء و شورا طبق اصل چهارم قانون اساسی مخالف موازین شرع شناخته و ذیلاً به اطلاع می‌رساند: مواد ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲ و ۵۳ قانون مجازات عمومی و ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی بدیهی است با توجه به اوامر موکد رهبر معظم انقلاب امام خمینی مدظله العالی و برحسب اصل چهارم قانون اساسی بررسی فقهاء شورای نگهبان ادامه خواهد یافت» [۱۷، ص ۱۸۳].

با تحولی جدید بالاخره مقنن موضوع مرور زمان را در مواد ۱۷۳ تا ۱۷۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در مورد مجازاتهای بازدارنده پذیرا گردید. اما با توجه به اینکه اکثریت فقهای شورای نگهبان مرور زمان در امور حقوقی را مغایر شرع می‌دانند و کمیسیون سابق استفتائات شورای عالی قضایی و اداره حقوقی قوه قضائیه نیز هر کدام به نوبه خود به منسوخ بودن قوانین مرور زمان کیفری اظهار نظر کرده‌اند دادسراها و دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران مرور زمان کیفری را مورد توجه قرار نمی‌دهند و به تمامی جرمهای ارتكابی بدون اینکه به تاریخ وقوع آن توجه داشته باشند رسیدگی می‌نمایند. با این وجود قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجدداً به طور مفصل در مبحث چهارم خود به موضوع مرور زمان پرداخته است و با حذف مجازاتهای بازدارنده از قانون، جرایم تعزیری را مشمول مرور زمان قرار داده است. قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۱۰۷ قانون مذکور با در نظر گرفتن مرور زمان برای اجرای احکام دادگاه‌های خارج از کشور درباره اتباع ایرانی به نحوی احکام کیفری صادره از دادگاه‌های خارجی را مورد شناسایی قرار داده است.

۳) تاثیر احکام کیفری خارجی بر سجل کیفری افراد و اعمال مجازاتهای تبعی: احکام کیفری خارجی در برخی موارد از جهت تاثیر در سجل کیفری اشخاص و به همراه داشتن مجازات تبعی معتبر شناخته می‌شوند و قابلیت شناسایی دارند. در خصوص تاثیر احکام کیفری خارجی در سجل کیفری باید گفت که قانون‌گذار ایران وفق تبصره ذیل ماده ۲ آیین‌نامه سجل قضایی مصوب ۸۴/۱/۲ احکام کیفری صادره از کشورهای دیگر را در سجل کیفری ایرانیان یا کسانی که قبلاً تابعیت ایرانی داشته‌اند یا کسانی که تابعیت معین ندارند و در خاک ایران مقیم هستند مشروط به اینکه موضوع محکومیت آنها به موجب قوانین ایران نیز بزه شناخته شود موثر می‌داند و از این جهت برای احکام کیفری صادره از کشورهای دیگر اعتبار قائل است و به عبارت دیگر آنها را شناسایی کرده است.

همچنین در خصوص تاثیر احکام کیفری خارجی بر اعمال مجازات تبعی بند (الف)

قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ حکم جالبی به این شرح دارد: "محکومین به سرقت، ارتشا، اختلاس، خیانت در امانت، کلاهبرداری، جعل و تزویر، صدور چک بلامحل و ورشکستگی به تقصیر یا تقلب اعم از اینکه حکم از دادگاه داخلی یا خارجی کشور صادر شده باشد یا محکوم مجرم اصلی یا شریک یا معاون جرم بوده باشد از تصدی امور بانکها به هر عنوان ممنوع می‌باشند". بنابراین در این بند قانونگذار در خصوص تاثیر احکام کیفری بر ممنوعیت از تصدی امور بانکی به احکام دادگاههای خارجی همان اعتباری را می‌دهد که احکام دادگاههای خارجی می‌دهد.

۴) تاثیر احکام کیفری خارجی در تعیین خسارات ناشی از جرم: مطابق با برخی از موافقت‌نامه‌های معاضدت قضایی مابین ایران و سایر کشورها، محاکم ایران احکام کیفری صادره از کشورهای خارجی را جهت صدور حکم به پرداخت خسارات ناشی از جرم یا معاضدت در اجرای احکام کیفری در بخش جبران خسارت معتبر می‌شناسد. به عنوان نمونه ماده ۳ موافقت‌نامه متقابل بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکمنستان در امور کیفری و بند ۲ ماده ۱۸ قانون موافقت‌نامه معاضدت حقوقی دوجانبه در موضوعات کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی معاضدت طرفین را در اقدامات مربوط به مصادره عواید و ابزار جرم، بازگرداندن اموال قربانیان جرم و پرداخت خسارت مورد توجه قرار داده است.

۶. نتیجه‌گیری

در نظام حقوقی بیشتر کشورها اصل بر عدم اجرای احکام کیفری خارجی است. مهم‌ترین دلیل در توجیه عدم شناسایی و اجرای احکام کیفری خارجی لزوم حفظ حاکمیت ملی است. اما به مرور زمان با گسترش روابط میان کشورها، اجرا و شناسایی احکام کیفری خارجی در معاهدات بین‌المللی معاضدت قضایی و قوانین داخلی کشورها به‌طور محدود پذیرفته شده است که مبنای نظری آن مبتنی بر دکترین اعتبار امر مختومه، نزاکت قضایی بین‌المللی و عمل حاکمیت دولت‌ها می‌باشد.

در خصوص اجرای احکام کیفری خارجی در سیستم حقوق اسلامی، می‌توان گفت یکی از اصولی که اجرای احکام کیفری خارجی را تحت شعاع می‌دهد «اصل عمل متقابل» است. این اصل در برخی از آیات قرآنی و روایات مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در این سیستم عدم وجود شرایط تصدی منصب قضا در قضات صادرکننده

احکام کیفری خارجی یکی از موانع اجرای احکام کیفری خارجی می‌باشد. مطابق با آیه ۴۲ سوره مائده نیز حکومت اسلامی میان داوری کردن با احکام اسلام درباره غیر مسلمانان، و یا صرف نظر کردن از داوری مخیر است.

در ایران نیز با بررسی توافق‌نامه‌های معاضدت قضایی مابین ایران و سایر کشورها و قوانین موضوعه کیفری ایران، این نتیجه حاصل می‌شود که ایران در مواردی خاص، احکام کیفری خارجی را قابل شناسایی و اجرا می‌داند. از مواردی که احکام کیفری خارجی در ایران قابل اجرا می‌باشد انتقال زندانی ایرانی از کشور صادرکننده حکم به ایران برای سپری کردن دوران محکومیت خود در ایران است. در خصوص شناسایی احکام کیفری خارجی نیز باید به مواردی چون ماده ۵ و تبصره ۲ ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی، تبصره ذیل ماده ۲ آیین‌نامه سجل قضایی مصوب ۸۴/۱۱/۲ و بند (الف) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ اشاره نمود.

در خصوص اینکه برای شناسایی و اجرای احکام کیفری خارجی در قلمرو حاکمیت ایران احراز چه شرایطی لازم است باید گفت با توجه به اینکه وفق ماده ۱۲۸۴ و ۱۲۸۷ قانون مدنی احکام کیفری خارجی سند رسمی محسوب می‌شود، برای شناسایی یا اجرای احکام کیفری صادره از دادگاههای خارجی باید شرایط مندرج در ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی رعایت گردد.

منابع

- [۱]. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، انتشارات نشر نی.
- [۲]. ادوایر - برنشتاین، ریستائو (۱۳۶۴)، "اجرای احکام دادگاههای خارجی به وسیله دادگاههای ایالتی و فدرال". مترجم: محمدجواد میرفخرایی، مجله حقوق بین‌المللی، مرکز امور حقوق بین‌الملل ریاست جمهوری، شماره ۲، بهار.
- [۳]. اسکندری، محمدحسین (۱۳۷۹)، قاعده مقابله به مثل در حقوق بین‌الملل از دید اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات.
- [۴]. الماسی، نجادعلی (۱۳۷۲). تعارض قوانین، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- [۵]. _____ (۱۳۶۹). "شناسایی و اجرای احکام مدنی خارجی"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۲۵، دیماه.
- [۶]. حرعاملی، محمدبن الحسن (۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، جلد ۲۷، قم، آل البیت.

- [۷]. خالقی، علی (۱۳۸۳). "انتقال محکومان: تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۶۴، تابستان.
- [۸]. دهخدا، علی اکبر (؟). لغتنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۹]. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، جلد ۶، تهران، دارالمکتب اسلامیه.
- [۱۰]. شاکری، ابوالحسن؛ شیرزادی، فرشاد (۱۳۹۳). "بررسی عدم پذیرش اعتبار احکام کیفری کشورهای خارجی در تعزیرات منصوص شرعی در حقوق ایران"، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، سال یازدهم، شماره سی و هشت، زمستان.
- [۱۱]. قربانی، زین العابدین (۱۳۶۶). اسلام و حقوق بشر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۱۲]. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، چاپ چهارم، جلد ۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۳]. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار: الجامعه لدرر اخبار الائمه الطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۱۴]. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۹). قواعد فقه بخش جزایی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- [۱۵]. مدنی، جلال الدین (۱۳۷۸). آئین دادرسی مدنی کیفری ۲ و ۱، تهران، انتشارات پایدار.
- [۱۶]. معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- [۱۷]. مهرپور، حسین (؟). مجموعه نظرات شورای نگهبان، دوره اول از تیر ماه ۱۳۵۹ تا تیر ماه ۱۳۶۵.
- [۱۸]. هوشمند فیروزآبادی، حسین (۱۳۹۴). "قاعده مقابله به مثل در قرآن"، مجله حقوق اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
- [19]. black, Camp Bell Henry (1995). Black law Dictionary. New York: West Publition Co.
- [20]. Puech, Marc (1998), Dorit Penal General, Paris, Litec. Punch.